

## ارزیابی هدف حداکثرسازی سود در نظام مالی متعارف از منظر قرآن

امیر خادم‌علیزاده\*

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۴/۰۵

محمدهادی حبیب‌الهی\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۷

### چکیده

لیبرالیسم اقتصادی مهم‌ترین اصل فکری و فلسفی نظام سرمایه‌داری است که به آزادی بی‌حد و حصر در خصوص سرمایه و به تعبیر دیگر سود طلبی مطلق منجر می‌شود. این پژوهش با هدف بررسی موضوع حداکثرسازی سود در نظام‌های مالی برخاسته از نظام سرمایه‌داری، و با روش توصیفی-تحلیلی و تفسیر موضوعی قرآن، آیات مربوط به مال و ثروت در قرآن را استخراج کرده و بر بنیاد روش تفسیر موضوعی و به مدد موضوع‌شناسی اقتصاد مالی، مورد بررسی و تدبیر قرار داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم در همه ابعاد کسب، توزیع و مصرف ثروت، محدودیت‌هایی را قائل شده است و کسب مال باید با رعایت حدود الهی و بدون انگیزه ثروت‌اندوزی مازاد بر احتیاجات ضروری دنیوی باشد، لذا ثروت‌اندوزی هر چند ممکن است به طور فردی مجاز قلمداد شود، ولی نمی‌تواند به عنوان تنها هدف یک نظام مالی قرار گیرد.

### واژگان کلیدی

سود، قرآن، نظام سرمایه‌داری، نظام مالی متعارف

طبقه‌بندی JEL: G00, E41, E21, D01

aalizadeh@atu.ac.ir

\* استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی

\*\* عضو مرکز رشد و دانشجوی دکتری مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)

m.habibollahi@isu.ac.ir

## مقدمه

سرمایه داری یا کاپیتالیسم با انقلاب صنعتی، نخست در اروپای غربی و آمریکا پدید آمد و سپس به کشورهای غیرغربی راه یافت. اساس ایدئولوژی سرمایه‌داری و مبنای حکومت سرمایه‌داری بر سرمایه قرار گرفته است و سرمایه عبارت از ثروتی است که برای تولید ثروت بیشتر مصرف می‌شود. تولید ثروت چه از طریق کسب و تجارت و چه به وسیله صنعت یا تأسیس کارخانه و امثال آن جز با به کار انداختن سرمایه قبلی امکان‌پذیر نیست. استفاده از اصل سرمایه‌داری عبارت از این است که هر کسی حق دارد به وسیله ثروتی که اندوخته یا از راه ارث بدست آورده از طریق معامله آن را به کار اندازد و در نتیجه از این عمل متمتع گردد. پس این ایدئولوژی به سرمایه‌داران آزادی مطلق می‌دهد که هر کس از هر طریقی که بخواهد در راه تولید ثروت فعالیت کند و از هر نوع عامل و ابزاری که در دسترس او قرار بگیرد برای وصول به مقصود استفاده کرده و هر بازاری را که برای فروش کالایش مناسب بداند انتخاب نماید و از هر وسیله‌ای که برای انتفاع او مفید باشد کمک جوید (سعیدی، ۱۳۲۹، ص ۴).

لیبرالیسم اقتصادی مهم‌ترین اصل فکری و فلسفی نظام سرمایه‌داری است. در تعریف کلی، لیبرالیسم به معنی اعتقاد به ارزش آزادی فردی است؛ اساساً لیبرالیسم اقتصادی مبتنی بر دو عنصر اساسی یعنی «اصالت فرد» و «آزادی فردی» است. مدافعان اقتصاد لیبرال - سرمایه‌داری دلایلی برای اصول پذیرفته شده خود از جمله آزادی فردی و اقتصادی می‌آورند. یکی از ادله آنها این است که افراد به طور طبیعی (طبیعت اولیه انسان‌ها) دنبال حداکثر کردن نفع و سود شخصی می‌باشند و تأمین منافع افراد، به معنای تأمین مصالح جامعه است و از آنجا که آزادی مطلق اقتصادی با طبیعت اولیه انسان‌ها سازگار است محدودیت آن، مانع تحقیق منافع جامعه است. در واقع مهم‌ترین عامل محرک فعالیت‌های اقتصادی، نفع شخصی است (خادم‌علیزاده، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰). از سوی دیگر انگیزه کسب سود از اصول مسلم نظام سرمایه‌داری است که در همه نظامات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن تأثیرگذار بوده است. لذا امروزه اساس بازارهای مالی دنیا نیز بر همین محور می‌باشد و کسب سود و حداکثر کردن نفع شخصی به عنوان هدف اصلی شناخته می‌شود تا جایی که مسئولیت مدیران مالی در

همه شرایط حداکثرکردن ثروت ذینفعان است (Ross, 2010, p.2). تاکنون انتقادات گسترده‌ای بر نظام سرمایه‌داری و اصول لیبرالیسم وارد شده است و اساس تشکیل نظام سوسیالیستی بر محور انتقاداتی بود که بر نظام سرمایه‌داری وارد شد. این مقاله قصد دارد موضوع حداکثر کردن سود در نظام های مالی را که برخاسته از نظام سرمایه‌داری است از منظر قرآن بررسی کند. در واقع به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال هستیم که آیا اسلام اساساً هدف حداکثرسازی سود را قبول دارد؟ و اگر این طور است چارچوبی که اسلام در این خصوص بیان می‌کند چیست؟ لذا در راستای یافتن پاسخ پرسش‌های فوق، فرضیه‌های ذیل مورد آزمون قرار گرفت:

۱. قرآن انسان‌ها را به کار و تلاش و بهره‌مندی از نعمت‌های خدا و کسب سود دعوت می‌کند.
۲. قرآن با ثروت‌اندوزی و حداکثر کردن سود به طور مطلق، مخالف است.
۳. هدف حداکثرکردن سود در نظام اسلامی جایگاهی ندارد.
۴. ساماندهی این نوشتار به شرح ذیل می‌باشد: در بخش اول مقدمه و تبیین مسأله صورت می‌گیرد، در بخش دوم ادبیات پژوهش ذکر شده و در بخش سوم روش پژوهش و برداشت از قرآن در زمینه «حداکثرسازی سود» تبیین شده است، مبانی نظری قرآنی و مالی پژوهش در بخش چهارم بیان می‌گردد.
۵. در بخش پنجم هدف حداکثرسازی سود در اقتصاد متعارف و قرآن به شکل تطبیقی ارزیابی می‌شود و با خلاصه و نتیجه‌گیری به سامان می‌رسد.

#### ۱. ادبیات پژوهش

در این بخش لازم است به توضیح مفهوم کلیدی «سود» از نگاه این مقاله پرداخته شود. از منظر اسلام، سودطلبی به عنوان یک انگیزه مهم در تلاش مسلمانان، مورد تأیید قرار گرفته و آن را به عنوان یک سنت الهی در آفرینش انسان پذیرفته به طوری که «حب ذات»، انگیزه قوی و مؤثری در فعالیت‌ها و اقدامات گوناگون اقتصادی معرفی شده است (خادم‌علیزاده، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲) و در آیات «فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ» (بقره: ۱۶) و «تِجَارَةٌ لَّنْ تَبُورَ» (فاطر: ۲۹) دقیقاً واژه سود بدین معنا به کار رفته است.

با این حال اعتقاد به معاد عاملی است که بین مفهوم سود در نظام دینی و غیردینی تفاوت ایجاد می‌کند. در نظام‌هایی که اعتقاد به معاد وجود ندارد؛ سود، تنها یک امر مادی محسوب می‌شود. اما در فرهنگ اسلامی، نتیجه یک عمل از دو بخش تشکیل شده است: نتیجه فوری آن در این زندگی و نتیجه آتی آن در زندگی دیگر است «وَمَا تَقْدُمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ» (مزمّل: ۲۰). بنابراین مطلوبیتی که از چنین انتخابی به دست می‌آید، برآیند ارزش فعلی این دو اثر است (خادم‌علیزاده، ۱۳۹۲، ص ۱۸۷).

با وجود تفاوت ماهوی که در تلقی سود بین دو نظام دینی و غیردینی وجود دارد، نمی‌توان جایگاه سود مادی را در نظام اسلامی نادیده گرفت. سود مادی ابزاری برای تولید ثروت است. البته از سود مادی دو مفهوم به ذهن متبادر می‌شود. یکی مفهوم صرفه اقتصادی فعالیت‌های اقتصادی است و دیگری سودجویی مبتنی بر خودخواهی و نفع شخصی. نظام سرمایه‌داری براساس اصل آزادی و لیبرالیسم اقتصادی، هر دو مفهوم سود را جایز می‌داند. در این مقاله اولاً تنها بعد مادی سود لحاظ شده است، یعنی بعد معنوی و اخروی مورد بحث قرار نگرفته است. ثانیاً فرض شده که صرفه اقتصادی داشتن فعالیت‌های اقتصادی یک جنبه مثبت و ضروری از مفهوم است و در پذیرفتن آن شکی نیست. اما از طرف دیگر سودجویی جنبه منفی مفهوم سود است که در این مقاله با عبارت حداکثرکردن سود بیان شده است. پس مفهوم عبارت «حداکثر کردن سود» به معنای «کسب ثروت مبتنی بر خودخواهی و نفع شخصی» است.

نقد انگیزه سودجویی یا همان حداکثر کردن سود در تعاملات اقتصادی در ادبیات اقتصاددانان غیرمسلمان نیز جریان دارد. در اواخر قرن ۱۹، برخی نویسندگان اصلاح طلب که شهرت جهانی دارند، انگیزه سودجویی در فعالیت‌های اقتصادی را مورد نکوهش قرار داده و به استهزاء انسان اقتصادی عصر خویش پرداختند. رسکین<sup>۱</sup> انگلیسی و تولستوی<sup>۲</sup> روسی، هر دو اصل کام‌اندیشی سودجویی را به عنوان اصل هدایت‌کننده فعالیت اقتصادی نکوهش می‌کنند و پول را ابزاری می‌دانند که به وسیله آن آدمی توانسته است هم‌نوع خود را خدمتگزار کند و نوعی بردگی جدید احیاء نماید

(ژید، ۱۳۷۰، ص ۵۷۱). با تبیینی که صورت گرفت، هدف این مقاله ارزیابی هدف حداکثر کردن سود یا به بیان ساده ثروت‌اندوزی است.

## ۲. پیشینه تحقیق

مطالعات داخلی که با موضوع تحقیق نزدیک باشند نادر هستند، مانند: عزتی (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر به کارگیری پول برای کسب سود یا اعطای قرض‌الحسنه» با روش آماری نشان می‌دهد که استفاده از پول برای کسب سود به شدت با درجه ایمان افراد رابطه منفی دارد. ایشان در مقاله دیگری (۱۳۸۹)، «نظریه رفتار تولیدکننده مسلمان» نتیجه می‌گیرد حداکثرسازی سود، هدف نهایی نیست بلکه هدف حداکثر کردن مطلوبیت دنیوی و اخروی است. رجایی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «توازن یا عدم تداول ثروت در دست اغنیا» به این نتیجه رسیده که هر چند از نظر فقه فردی در سطح خرد برای کسب درآمد حد و کرانه‌ای در نظر گرفته نشده است، ولی امکان انباشت درآمد و ایجاد شکاف فاحش طبقات درآمدی با معیار عدالت اجتماعی وجود ندارد. میرجلیلی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «عوامل مؤثر در حمایت از کار، تولید و سرمایه مسلمان از دیدگاه قرآن و حدیث» وظایف مردم، دولت، تولیدکنندگان و سایر عوامل اقتصادی را جهت حمایت از کار، تولید و سرمایه مسلمان از دیدگاه قرآن و حدیث برشمرده است. این مقاله راه تولید ثروت را کار بیشتر و فعالیت بهتر می‌داند. عزتی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «الگوی رفتار تولیدکننده باورمند به زندگی پس از مرگ» می‌نویسد: رضایت خاطر حاصل از سود دنیوی و اخروی رفتار تولیدکننده را تغییر می‌دهد و درآمد واقعی، سود واقعی و هزینه واقعی را متأثر می‌سازد. براساس منابع موجود، افلاطون را می‌توان از نخستین اندیشه‌وران یونان باستان دانست که درباره نحوه توزیع درآمد و ثروت سخن گفته است (جمشیدی، ۱۳۸۰، ص ۶۶). پس از وی اندیشمندان مختلف با نگاه فردگرایانه به نظریه‌پردازی درباره توزیع درآمد و ثروت پرداختند و مکاتب سرمایه‌داری مبتنی بر این نظریات شکل گرفت (کاپلستون، ۱۳۷۰، صص ۱۴۲-۱۴۳). در برابر، کارل مارکس با نفی مالکیت خصوصی،

نظریه «از هر کس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه نیازش» را ارائه کرد (نمازی، ۱۳۷۴، ص ۴۵). اما در میان اندیشمندان مسلمان نظریات گوناگونی در زمینه انگیزه تولیدکننده مسلمان بیان شده است. برخی از اندیشمندان انگیزه محوری تولیدکننده مسلمان را سود دانسته‌اند. این‌ها به صورت‌هایی انگیزه‌های دیگری نیز در کنار سود برای تولیدکننده مطرح کرده‌اند. با این انگیزه در این دیدگاه‌ها هدف محوری تولیدکننده مسلمان، حداکثرکردن سود دانسته شده است. نمونه این اندیشه‌وران به نقل از عزتی (۱۳۸۹)، عارف (۱۹۸۲)، دار (۱۹۸۸) و اقبال (۱۹۹۲) هستند. برخی از اقتصاددانان مسلمان با پذیرش انگیزه سود برای تولیدکننده مسلمان، هدف حداکثرسازی سود را برای وی در چارچوب محدوده‌هایی پذیرفته‌اند. مانند صدیقی (۱۹۸۲) و نقوی (۱۹۸۱). در کنار این‌ها برخی صاحب‌نظران مسلمان انگیزه تولیدکننده مسلمان را کسب مطلوبیت و هدف وی را بیشینه‌سازی مطلوبیت بیان کرده‌اند. مانند کھف (۱۹۷۸)، گاسا و (۱۹۸۸) و حلاق (۱۹۹۵). در برخی پژوهش‌ها به این موضوع پرداخته شده است که برای نمونه چند مورد در ذیل می‌آید:

مهد<sup>۳</sup> (۲۰۰۳)، در مقاله‌ای با عنوان «کارایی تخصیصی حداکثرسازی سود» می‌نویسند مفهوم حداکثرسازی سود در بنگاه با رفتار اسلامی در تناقض است، لذا در این مقاله توصیه شده که کاهش هزینه‌های بنگاه و افزایش تولید باید با این فرض صورت گیرد که آیا میزان کالا افزون بر نیاز جامعه نباشد و در بهره‌مندی از مواد اولیه، عدالت رعایت شود.

عادل ابو<sup>۴</sup> (۲۰۱۱)، در تحقیق خود با اشاره به یک تناقض در نظام بانکداری اسلامی بیان می‌دارد که نظام بانکی سود محور است و تا سود نباشد معنی پیدا نمی‌کند. حال آن که نگاه اسلام تنها سود مادی که در جهت منافع افراد باشد را بر نمی‌تابد، لذا در مدل‌هایی که برای بانکداری اسلامی داده شده است، خدشه وارد می‌کند و در نهایت پس از بررسی‌هایی که انجام می‌دهد مدل بانکداری اسلامی براساس عقد مرابحه و مضاربه را در راستای سودآوری مورد قبول اسلام می‌داند.

العالی و عباس<sup>۵</sup> (۲۰۱۲)، در مقاله‌ای با عنوان «دیدگاه‌های اسلامی درباره حداکثرسازی سود» به تقابل بحث اخلاق اسلامی و سودمحوری در کسب و کار

پرداخته‌اند. این مقاله چنین نتیجه‌گیری کرده است که اگر اخلاق اسلامی در توجه به جامعه در نظر گرفته شود، منافع مادی برای همه آحاد جامعه ایجاد خواهد شد. تحقیق پیش‌رو که به نقد هدف حداکثرسازی سود می‌پردازد از چند جهت دارای نوآوری است: نخست؛ با روش تفسیر موضوعی قرآن انجام می‌شود، دوم؛ حداکثر کردن ثروت را تنها از منظر تولید ثروت و کسب ثروت مورد بررسی قرار داده است و بحث مصرف و توزیع ثروت را وارد نکرده است. نهایتاً؛ نگاه این مقاله کلان است و در سطح یک بنگاه نیست و جهت‌گیری کلی یک نظام مالی را مدنظر قرار داده است.

### ۳. روش پژوهش و برداشت از قرآن در زمینه «حداکثرسازی سود»

در این پژوهش نوپدید قرآنی از روش تحقیق موضوعی قرآن در بستر تفسیر موضوعی بهره گرفته شده است و با مراجعه به تفسیرهای مفسران صاحب منهج و کاربست روش برداشت از آیات اقتصادی فرضیه‌های پژوهش آزمون شده است. مراحل و فرایندهای کلی این روش به اختصار در ذیل می‌آید:

ابتدا، مسأله پژوهش (حداکثر کردن سود) با استناد به منابع معتبر و ادبیات اقتصاد مالی تبیین گردید. در گام دوم، برای دسترسی به مفهوم سود در قرآن از طریق قاموس‌های قرآنی و واژگان مربوط در آیات قرآن مطالعه‌ای صورت گرفت و این نتیجه بدست آمد: واژه سود (معادل آن ربح) تنها یک بار در آیه «فَمَا رِبْحُ تِجَارَتِهِمْ» (بقره: ۱۶) به کار رفته است و به معنای نتیجه عمل تجاری و مانند آن می‌باشد (قرشی‌بنابی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۴۶). اما براساس موضوع‌شناسی «حداکثرسازی سود» در اقتصاد مالی می‌توان معادل آن در قرآن را تحت عنوان واژه‌های «مال» که اعم از کالا، دارایی و سود مصطلح است مورد بررسی قرار داد. برای آشنایی با دیدگاه قرآن در زمینه کسب درآمد و سود، توجه به آیاتی که «ابتغاء فضل الله» و «رزق الله» را مورد نظر دارند، نشان می‌دهد که سود، فضل خدا و رزق خداست و نگاه قرآن به مال و سود، از نگاه آزمندی اقتصاد مالی متعارف، متمایز می‌شود. علامه مصطفوی در ذیل آیه ۱۶ بقره می‌نویسد: «اصل در ماده ربح، نماء و زیادی در معامله است که دارای اشتقاق کبیر از ربی به معنای رشد و نمو و زیادی است» (مصطفوی، ۱۳۹۳ق، ج ۴، ص ۲۹). در این صورت، ربح شامل سود در معاملات کالا و خدمات و معاملات مالی در بازارهای مالی نیز

می‌شود ولی واژه‌های «مال» و مانند آن دلالت گسترده‌تری بر کالا، دارایی و سود دارند. سپس مهم‌ترین آیاتی که به دلالت مطابقی، تضمینی و التزامی نسبت به مسأله پژوهش به شکل عموم، اطلاق یا مورد خاص ظهور قابل اطمینانی داشتند، شناسایی شد. که برای نمونه برخی از آیات در این مقاله ذکر شد. در مرحله چهارم، ادبیات تفسیری ذیل آیات همراه با ادبیات حدیثی که پس از صحت سند و صدور آنها، دلالتی آشکار (حتی دلالت التزامی و ظهور ملازمات بین) بر موضوع پژوهش داشتند، مورد مطالعه و تدبیر قرار گرفت و در مرحله پایانی، از تلفیق موضوع‌شناسی اقتصاد مالی و تعمق در فقه اقتصادی قرآن و با عنایت به اصول و مدارک تفسیر موضوعی، برداشت‌هایی اطمینان بخش ارائه گردید.

#### ۴. مبانی نظری - قرآنی پژوهش

تاکنون مفهوم سود، حداکثر کردن سود و نگاه نظام سرمایه‌داری به این مفاهیم تبیین شد. اکنون قصد داریم با مراجعه به قرآن کریم و استخراج آیات مرتبط نظر اسلام نیز استخراج نماییم؛ لذا آیات اقتصادی قرآن پیرامون سود، ثروت و مال گردآوری شده و برخی از مهم‌ترین آنها که قرابت بیشتری با موضوع مقاله دارند انتخاب شدند. جهت فهم بهتر آیات مرتبط از تفاسیر المیزان، نمونه، نور، مجمع البیان، التبیان، التفسیر الوسیط، الجامع لاحکام القرآن، روح المعانی و تفسیر المنیر استفاده شده که از تفاسیر معتبر و مشهور شیعی و سنی محسوب می‌شوند.

همانطور که اشاره شد بسیاری از آیاتی که پیرامون موضوع ثروت، وجود دارند به مسأله مصرف و توزیع ثروت پرداخته‌اند. هر چند این آیات در نوع خود از اهمیت بسیار زیادی برخوردارند و بیانگر اهداف مهم اقتصادی هستند، اما در این مقاله تنها قصد پرداختن به تولید ثروت (کسب ثروت) را داریم. به همین منظور تنها به ذکر چند شاهد مثال قرآنی در باب مصرف و توزیع ثروت بسنده می‌کنیم.

قرآن کریم در بحث مصرف به مصرف مال حلال و پرهیز از اسراف اشاره می‌کند. «فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا» (نحل: ۱۱۴)؛ «فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا» (انفال: ۶۹) و «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» (اعراف: ۳۲). استفاده‌ای که می‌توان از این آیات کرد این



است که کسب ثروت باید به گونه‌ای باشد که منجر به کسب حلال شود و اینکه مشخصه رزق حلال چیست مطلبی است که در بحث کسب ثروت بیشتر بدان اشاره می‌کنیم.

یکی دیگر از عناصر اصلی در چرخه ثروت، توزیع آن است. قرآن کریم در این خصوص نیز آیات متعددی دارد. اصلی‌ترین مفهومی که در قرآن به کار رفته است انفاق است. پرداخت زکات، خمس و کفارات و همچنین تأمین نیازهای حیاتی مردم از وظایف واجب توانگران شمرده شده است «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه: ۳۴)؛ «مَا سَأَلْتُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ» (مدثر: ۴۱-۴۴)؛ «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (توبه: ۱۰۳) و «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» (بقره: ۱۱۰؛ نساء: ۷۷ و حج: ۷۸). آیات قرآن پیرامون توزیع ثروت بسیار زیاد است و در بردارنده نکات بسیار با اهمیتی است. در واقع اسلام به منظور ایجاد عدالت در سطح جامعه وظایفی را برعهده سایر اقشار جامعه گذاشته که همگی باید بدان پایبند باشد.

آیاتی که اشاره شدند نگاه قرآن به مسأله مصرف و توزیع را بیان کردند. هر چند با بررسی دقیق‌تر این آیات می‌توان نگاه قرآن به مسأله کسب ثروت را نیز مشخص نمود ولی از آنجایی که آیات بارزتری در این خصوص وجود دارند، لذا از موضوع مصرف و توزیع و بررسی دقیق‌تر آیات ذکر شده عبور می‌کنیم و همچنان سوال اصلی مقاله را پی می‌گیریم و اینکه رویکرد قرآن در کسب ثروت چیست؟ اسلام چه چارچوبی را برای کسب ثروت و سود مشخص کرده است؟

#### ۴-۱. نگاه قرآن به کسب مال

برای احصای دیدگاه قرآن به مقوله کسب ثروت باید از دو جنبه این مسأله بررسی شود. جنبه اول این است که آیا اسلام اساساً با کسب مال موافق است؟ و جنبه دیگر اینکه آیا کسب مال در اسلام همچون نظام سرمایه‌داری آزاد است و یا با محدودیت‌هایی همراه است؟ به نظر می‌رسد که پاسخ سوال اول تا حدودی روشن است و اسلام به هیچ عنوان منکر کسب ثروت نیست و اساساً مسلمانان را به کسب

مال و کسب منفعت اقتصادی تشویق می‌کند. در کلام قرآن آیات متعددی در تأیید این دیدگاه وجود دارد که در ادامه به برخی از آنان اشاره می‌کنیم.

برخی آیات قرآن به طور صریح لزوم توجه به سود را در نظر گرفته است؛ اما همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، سود در ادبیات قرآنی تنها سود مادی مقصود پژوهش نیست، لذا هر چند در آیات «فَمَا رِبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ» (بقره: ۱۶) و «تِجَارَةٌ لَنْ تَبُورَ» (فاطر: ۲۹)، ظاهراً به مفهوم سود اشاره شده است، ولی تنها سود مادی را بیان نمی‌کند. در آیه اول سرگذشت منافقان را در روز قیامت بیان می‌کند که آنها همه سرمایه خود را از دست داده‌اند و در معامله هدایت با گمراهی هیچ سودی نبرده‌اند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۹۷). در آیه دوم به تجارتی اشاره می‌کند که عالمان دین با خدا می‌کنند که از طریق اقامه نماز، انفاق و اعمال صالح دیگر به معامله‌ای با خداوند می‌پردازند که ضرری در آن نیست (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۴۹۶). با این حال اگر بپذیریم که آیات فوق در صدد تبیین سود مادی نیز هست، نهایتاً می‌توان چنین نتیجه گرفت که سود مادی زمانی جایز است که از طریق صحیح و مورد پذیرش اسلام و قرآن کسب شود و اگر نه، کسب این سود جایز نخواهد بود. در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم.

واژه «اکل» و مشتقات آن در موارد زیادی به معنای انجام تصرفات اقتصادی از جمله سرمایه‌گذاری و تولید است. البته در مواردی به معنای مصرف و هزینه کردن نیز به کار رفته است «یا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا» (بقره: ۱۶۸)؛ «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» (ابراهیم: ۳۷). علاوه بر واژه اکل، واژه «ابتغاء» نیز در مفهوم تولید به کار رفته است. «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ» (بقره: ۱۹۸). دلالت آیات فوق بر اینکه قرآن کریم کسب روزی را نه تنها جایز می‌داند بلکه توصیه نیز می‌کند، بسیار صریح و واضح است.

امضای مالکیت فردی یکی دیگر از مواردی است که نشان از جایز بودن کسب ثروت دارد. در واقع اگر کسب ثروت جایز نبود، حق مالکیت خصوصی بی معنا بود. قرآن کریم با نسبت دادن مال به افراد با تعابیری نظیر «اموالکم» به خصوص در آیه «فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا

تُظَلْمُونَ» (بقره: ۲۷۹) و عدم نفی و نقض آن مالکیت افراد بر اموالی که از طریق مشروع کسب کرده‌اند را به رسمیت می‌شمارد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۴۲۳؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۷۶) و با نهی از تعدی دیگران به چنین اموالی، به مردم توصیه می‌کند که مالکیت افراد بر اموالشان را محترم بشمارند (قرائسی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۴۴). در واقع آنچه خارج از راس المال گرفته شود مصداق ربا خواهد بود و گرفتن راس المال عادلانه بوده و صحیح است (طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۱، ص ۶۴۰؛ زمخشری، ۵۳۸ق، ج ۱، ص ۳۲۲).

مطالعه آیات قرآن نشان می‌دهد که مالکیت افراد به عنوان یک رابطه حقوقی و اعتباری بین فرد و دارایی او محترم شمرده شده است. البته حدود و قلمرو مالکیت خصوصی مورد پذیرش قرآن با مالکیت خصوصی در نظام اقتصادی سرمایه‌داری متفاوت است. یکی از این تفاوت‌ها، طولی بودن این مالکیت با مالکیت خداوند است. از این رو، خداوند می‌تواند محدودیت‌هایی را برای این مالکیت وضع و حتی در برخی موارد آن را سلب کند (خادم‌علیزاده، ۱۳۹۲، ص ۹۳). در قرآن بر مالکیت خداوند بسیار تأکید شده است؛ چنان که آمده «وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (نجم: ۳۱) و «وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ» (نور: ۳۳). فرد مسلمان در سایه این معیار هر چند به امکانات و ثروت‌هایی دست یابد، باز هم مال او «مال الله» بوده و در اصل متعلق به خداست که اعتباراً در اختیار او قرار داده شده است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹، ص ۱۵۱؛ زمخشری، ۵۳۸ق، ج ۴، ص ۴۷۳). بنابراین مالکیت آدمی جنبه وکالت و نمایندگی دارد، نه جنبه اصالت و مالکیت مطلق: «وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ» (حدید: ۷). چون انسان خلیفه خداوند است، مالی نیز که در اختیار اوست به عنوان خلیفه بودن در اختیار او قرار گرفته (آلوسی، ۱۲۷۰ق، ج ۱۴، ص ۱۶۹) که باید تحت ضوابط حاکم مطلق به کار رود و رضای الهی را در پی داشته باشد (زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۲۷، ص ۲۹۹).

نتیجه آنکه هر چند کسب ثروت و توجه به سود از نظر قرآن کریم جایز است، ولی چون مالک حقیقی خداوند است، لذا باید به تمام محدودیت‌هایی که خداوند قرار

داده است پایبند بود. با همین استدلال می‌توان به طور اجمال چنین نتیجه‌گیری نمود که آزادی مطلق انسان در نظام سرمایه‌داری، در اسلام وجود ندارد. در ادامه مقاله این محدودیت‌ها بیان می‌شود. در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که خط قرمزهایی را برای کسب ثروت قرار داده است. لزوم رعایت این محدودیت‌ها باعث می‌شود که آزادی اقتصادی افراد در دین اسلام محدود شود. رشوه‌خواری، دزدی (به هر شکل آن)، کم‌فروشی، قمار، ربا، رانت خواری، غش در معامله، احتکار نیازمندی‌های مردم و... از جمله مواردی هستند که اسلام از آنها نهی کرده است. «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی من الربا إن كنتم مؤمنین» (بقره: ۲۷۸)، «یا ایها الذین آمنوا لا تأكلوا أموالكم بینكم بالباطل» (نساء: ۲۹)، «إن كثيراً من الأخبار والرهبان لیاكلون أموال الناس بالباطل» (توبه: ۳۴)، «إنما الخمر والمیسر والأنصاب والأزلام رجسٌ من عمل الشیطان فاجتنبوه» (مائده: ۹۰)، «ولما تأكلوا مما لم يذكر اسم الله علیه وإنه لفسق» (انعام: ۱۲۱)، «قل لا أجد فی ما أوحی إلی محرماً علی طاعمٍ یطعمه إلا أن ینکح من ینکح فیه رجسٌ أو فسقاً أهل لغير الله به» (انعام: ۱۴۵). تقابل کسب حلال و کسب حرام در آیه «وأحل الله البیع وحرم الربا» (بقره: ۲۷۵) به خوبی مشخص است. خداوند با ذکر چارچوبی مشخص بین انواع کسب‌ها تفاوت قائل می‌شود و معیار حلال و حرام بودن را مشخص می‌کند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۴۰۸) و خطاکاران را اهل دوزخ‌اند و جاودانه در آن معرفی می‌کند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۶۹).

مجموع آیات فوق نشان می‌دهد که کسب حلال تنها در صورتی ممکن است که انسان از مصادیق مشخص کسب حرام فاصله بگیرد. یعنی بر خلاف نظام سرمایه‌داری که انسان در کسب مال مطلقاً آزاد است، در دین اسلام چنین آزادی وجود ندارد و قرآن به خوبی موارد کسب حرام را برشمرده است؛ اما موضوعی که در مقاله دنبال می‌شود فراتر از کسب حلال است. در واقع این مقاله به دنبال این مطلب است که حتی در صورتی که کسب مال از طریق حلال باشد، آیا مطلق ثروت‌اندوزی جایز است یا محدودیت‌هایی دارد؟ گفته شد که در نظام سرمایه‌داری، کسب ثروت مطلق است و محدودیتی ندارد، لذا افزایش ثروت که در نظام مالی به حداکثر کردن سود شناخته

می‌شود، بدون هیچ محدودیتی صورت می‌گیرد. آیا در اسلام نیز مطلق ثروت‌اندوزی در صورتی که از راه حلال کسب شود جایز است؟

#### ۴-۲. مذمت ثروت‌اندوزی

بیان شد که قرآن کریم نه تنها کسب ثروت را جایز می‌داند بلکه به اینکار تشویق نیز می‌کند. اما با مرور آیات قرآن در می‌یابیم که انباشت ثروت و ثروت‌اندوزی مورد مذمت قرار گرفته است یا امری بیهوده به شمار رفته است. به نظر می‌رسد اگر بتوان با تحلیل مناسب، این تناقض ظاهری در آیات را حل نمود، به نگاه قرآن به مسأله ثروت و ثروت‌اندوزی دست یافته‌ایم. به همین منظور برای رسیدن به نتیجه مطلوب برخی از این آیات بررسی شده است.

در اندیشه لیبرال - سرمایه‌داری، معیار و محور برای هر کار و هر چیز، مال است حتی پست‌ها و مسئولیت‌های دشوار اجتماعی با این معیار داده یا گرفته می‌شود. تعالی طلبی سرمایه‌داران بدان جا می‌رسد که دین‌شان و خدایشان را اموالشان می‌دانند (حکیم‌پور، ۱۳۷۸، ص ۵). در قرآن کریم نیز به این باور غلط مردم اشاره شده و در داستان طالوت به نفی محور بودن ثروت و مال پرداخته است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۸۵): «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَا يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ» (بقره: ۲۴۷) و پیامبرشان به آنها گفت: «خداوند (طالوت) را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است.» گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته‌تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟!» گفت: «خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد؛ و احسان خداوند، وسیع است؛ و (از لیاقت افراد برای منصب‌ها) آگاه است. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۴۰) مردم به خاطر ثروتمند نبودن طالوت (در طبقه اشراف نبودن) او را انکار می‌کردند (آلوسی، ۱۳۷۰ق، ج ۱، ص ۵۵۸).

در آیه دیگری ثروت دلیل طاعت‌گری و استکبارگری بیان شده است. «قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَاطُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ

الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ» (هود: ۸۷). گفتند: «ای شعیب! آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترک کنیم؛ یا آنچه را می‌خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده‌ای هستی!» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۱). چون پیامبران بر رعایت ضوابط در مسائل مالی فرا می‌خواندند و حس آزمند و افزون‌خواه و مرزنشناس مال‌اندوزان را محدود می‌ساختند و گردش ثروت و فعالیت‌های اقتصادی را در چارچوب ضوابط عدل و حق، قرار می‌دادند و از خودسری و یکه‌تازی گروهی متکثر، مانع می‌گردیدند و جامعه را از زیر بار تحمیل‌های ناروای آنان آزاد می‌ساختند، این‌رو سرمایه‌داران با پیامبران مخالفت می‌کردند و به درگیری و ستیز با آنان روی می‌آوردند (حکیم‌پور، ۱۳۷۸، ص ۱۰) و حتی آنان را دیوانه و مجنون خطاب می‌کردند (زمخشری، ۵۳۸ق، ج ۲، ص ۴۱۹). برداشت دیگری که از این آیه می‌توان کرد این است که آزادی انسان در اموال خودش محدود شده است. چرا که مردم گمان می‌کردند که چون مال خودشان است، لذا در استفاده آن کاملاً آزاد هستند در حالی که مشخص است کلام قرآن چنین آزادی را نفی کرده است (زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۲، ص ۱۲۸). در واقع انسان با رعایت ضوابط و چارچوب‌های مشخص در اموال و ثروت‌های شخصی، آزاد است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۰، ص ۳۶۶).

در نظام‌های سرمایه‌داری، سرمایه‌داران به اهرم اصلی قدرت یعنی سرمایه، مجهز می‌شوند و به هیچ یک از معیارهای محدودکننده قدرت، تن نمی‌دهند. نه قانون را می‌پذیرند و نه اخلاق انسانی را پذیرا هستند؛ زیرا که اخلاق انسانی و الهی، با اخلاق سرمایه‌داری تضاد ماهوی دارد. در قرآن کریم به این روحیه طغیان‌گری انسان اشاره شده و فرموده است: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ» (علق: ۶-۷). چنین نیست (که شما می‌پندارید) به یقین انسان طغیان می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۵۹۷). چنین نیست که نعمت‌های الهی روح شکرگزاری را همیشه در انسان زنده کند، بلکه او مسلماً طغیان می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۷، ص ۱۶۳؛ زمخشری، ۵۳۸ق، ج ۴، ص ۷۷۷). پس ثروت و مال که یکی از نعمت‌های الهی است می‌تواند باعث طغیان انسان‌ها در برابر خدا و سایر انسان‌ها شود. طغیان‌گری به واسطه مال به گونه‌ای می‌شود که به هیچ عنوان دعوت حق پذیرفته نمی‌شود: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ

مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ وَ قَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ» (سبأ: ۳۴-۳۵) و ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری بیم دهنده نفرستادیم مگر اینکه مترفین آنها، گفتند: «ما به آنچه فرستاده شده‌اید کافریم!» و گفتند: «اموال و اولاد ما (از همه) بیشتر است (و این نشانه علاقه خدا به ماست!)؛ و ما هرگز مجازات نخواهیم شد!» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۴۳۲). کلمه «مترف» اسم مفعول از ماده «اتراف» است، که به معنای زیاده‌روی در تلذذ از نعمت‌ها است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۳۰۵)، ضمناً در اینجا اشاره شده است به اینکه زیاده‌روی در لذایذ، کار آدمی را به جایی می‌کشاند که از پذیرفتن حق استکبار ورزد (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۸۳). این آیه به خاطر تکذیب دعوت حق و کفرپیشگی مردم، به پیامبر(ص) تسلی می‌دهد و دلیل این نافرمانی، تکبر بر سایر مؤمنین و اهانت کردن آنها را، تمسک جستن به کثرت مال و اولاد بیان می‌کند (زمخشری، ۵۳۸، ج ۳، ص ۵۸۵).

معمولاً کسانی که در صف اول مخالفین انبیاء بودند این گروه مترف طغیانگر غافل بودند که چون تعلیمات انبیاء را از یک سو مزاحم کام‌جویی و هوس‌رانی خود می‌دیدند، و از سوی دیگر مدافع حقوق محرومانی که با غصب حقوق آنها به این زندگی پر زرق و برق رسیده بودند، و از سوی سوم آنها همیشه برای پاسداری مال و ثروتشان قدرت حکومت را یدک می‌کشیدند، و پیامبران را در تمام این جهات در نقطه مقابل خود می‌دیدند، لذا فوراً به مبارزه برمی‌خاستند. عجب اینکه آنها انگشت روی حکم و تعلیم خاصی نمی‌گذاشتند، بلکه در بست می‌گفتند «ما به تمام آنچه شما مبعوث شده‌اید کافریم» و حتی یک گام هم با شما همراه نیستیم که این خود بهترین دلیل بر لجاجت و عناد آنها در برابر حق بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۸، ص ۱۰۶). این معنی مسأله مهمی است که قرآن در آیات مختلف از آن پرده برداشته که غالباً محرومان، نخستین کسانی بودند که دعوت انبیاء را «لیبک» می‌گفتند، و متنعمین مغرور نیز اولین گروهی بودند که علم مخالفت را برمی‌داشتند. با اینکه منکران دعوت انبیاء مسلماً منحصر به این گروه نبودند، ولی غالباً عاملان فساد و داعیان به شرک و خرافات آنها بودند که دائماً سعی داشتند دیگران را هم به زور به این طرق بکشانند. در آیات «فَلَوْ لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلاً مِمَّنْ

أَنْجَبْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ» (هود: ۱۱۶) و « وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَآتَرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ» (مؤمنون: ۳۳) نیز همین معنی آمده است. نه تنها در برابر انبیاء که در برابر هر قدم اصلاحی از ناحیه هر دانشمند مصلح و عالم مجاهدی برداشته شود این گروه سر به مخالفت برمی‌دارند، و برای در هم شکستن برنامه‌های مصلحان توطئه می‌چینند و از هیچ جنایتی روی گردان نیستند.

قرآن کریم اشاره می‌کند که مال می‌تواند حس جاودانگی را در انسان به وجود آورد: «الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ» (همزه: ۲-۳). «همان کس که مال فراوانی جمع‌آوری و شماره کرده (بی آنکه مشروع و نامشروع آن را حساب کند)» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۶۰۱).

انسان نامبرده به خاطر اخلاص در ارض و چسبیدنش به زمین و زندگی مادی زمینی، و فرو رفتنش در آرزوهای دور و دراز، از مال دنیا به آن مقداری که حوائج ضروری زندگی کوتاه دنیا و ایام گذرای آن را کفایت کند قانع نمی‌شود، بلکه هر قدر مالش زیادتر شود حرصش تا بی نهایت زیادتر می‌گردد، پس از ظاهر حالش پیداست که می‌پندارد مال، او را در دنیا جاودان می‌سازد، و چون جاودانگی و بقای خود را دوست می‌دارد، تمام همش را صرف جمع مال و شمردن آن می‌کند و وقتی جمع شد و خود را بی‌نیاز احساس کرد، شروع به یاغی‌گری نموده، بر دیگران تفوق و استعلا می‌ورزد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۵۹). مسلم است آیه ناظر به ثروت‌اندوزانی است که مال را نه به عنوان یک وسیله بلکه به عنوان یک هدف می‌نگرند، و در جمع‌آوری آن هیچ قید و شرطی قائل نیستند، از حلال و حرام و تجاوز بر حقوق دیگران، از طریق شرافتمندانه و یا طرق پست و رذیلانه آن را جمع‌آوری می‌کنند، و آن را تنها نشانه عظمت و شخصیت می‌دانند. آنها مال را برای رفع نیازهای زندگی نمی‌خواهند و به همین دلیل هر قدر بر اموالشان افزوده شود حرصشان بیشتر می‌گردد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۷، ص ۳۱۲). بعضی احتمال داده‌اند که «عَدَّدَهُ» از «عده» (بر وزن غده) به معنی آماده کردن این اموال و ذخیره نمودن برای مشکلات و روز مبادا است (زمخشری،



۵۳۸ق، ج ۴، ص ۷۹۵). البته قول ضعیفی است و از ظاهر آیات چنین برداشتی نمی‌شود. در این آیه مطلق مال اندوزی مذمت شده است و بین مال حلال و مال حرام تفاوتی بیان نشده است. یعنی حتی کسانی که مبادرت به کسب حلال می‌کنند، اگر مقصود آنها ثروت‌اندوزی باشد و نه رفع احتیاجات دنیوی، باید بدانند که یاغی‌گری و طغیان گریبان آنها را خواهد گرفت. چرا که وقتی کسب ثروت از نیاز فراتر رفت، چه انگیزه‌ای غیر از کسب قدرت و حس جاودانگی می‌تواند وجود داشته باشد. قرآن کریم لفظ مال را نکره آورده و قصد داشته به کثرت مال اندوخته شده یا به بی‌ارزش بودن آن اشاره کند (آلوسی، ۱۲۷۰ق، ج ۱۵، ص ۴۶۱)، ولی همین مال بی‌ارزش برای کسانی که طمع اندوختن آن را دارند حس جاودانگی و طغیانگری می‌دهد.

آیات فوق به خوبی بیانگر این مسأله بود که ثروت‌اندوزی یا حداکثر کردن سود نمی‌تواند به عنوان هدف نظام اقتصادی قرار گیرد. چرا که ثروت و مال به تنهایی می‌تواند انسان را به انحراف بکشاند و از دعوت حق انسان را رویگردان کند. لذا همواره ثروت‌مندان و ثروت‌اندوزان مورد مذمت قرآن قرار گرفته‌اند. پس تا اینجا بدین نتیجه رسیدیم که حتی اگر انسان مؤمن در چارچوب حدود الهی به کسب مال حلال اقدام کند، اگر انگیزه کسب مال صرفاً برای ثروت‌اندوزی باشد، چنین عملی در نگاه اسلامی صحیح نخواهد بود.

#### ۴-۳. جایگاه ثروت در تعارض مذمت ثروت‌اندوزی و توصیه به کسب حلال

در مطالب پیشین کسب ثروت از یک طرف مورد تأکید قرآن است و از طرف دیگر بسیار مذمت شده و عواقب بسیار بدی برای آن ذکر شده است. برای حل این تعارض باید بدین پرسش پاسخ دهیم که اولاً ماهیت مال و ثروت چیست؟ و ثانیاً حدود کسب کردن آن چقدر است؟ پاسخ به سوال اول بسیار آسان است. با مروری اجمالی بر آیات قرآن می‌توان نتیجه گرفت که مال و ثروت به هیچ عنوان دارای ارزش ذاتی و معنوی نیستند و کسانی که برای آن ارزش قائل شدند به شدیدترین عذاب‌ها گرفتار شدند. علاوه بر آیاتی که پیشتر اشاره شد، می‌توان آیات ذیل نیز در تأیید این ادعا بیان کرد.

«وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه: ۳۴) و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می‌سازند، و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده! (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۲).

عبارت کنز در لغت به معنای جمع کردن و ذخیره کردن هر چیزی است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۸، ص ۱۲۳)، در خصوص این آیه مفسران بحث‌های زیادی کرده‌اند و دلالت‌های کنز کردن را برشمردند. در بیان مفسران آمده که مال و ثروت که طلا و نقره از مصادیق آن هستند، به خودی خود دارای ارزش نیستند و اگر در اقتصاد به گردش در نیایند عواقب مادی و معنوی زیادی به همراه خواهد داشت (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۳۹۰).

«الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمْلًا» (کهف: ۴۶). مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست؛ و باقیات صالحات (ارزش‌های پایدار و شایسته) ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است! (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۲۹۹). در بیان قرآن کریم مال به دلیل فانی بودن و زودگذر بودن به زینت تشبیه شده است. یعنی هر چند چشم‌ها را پر می‌کند، ولی همچون خاکستری است که باد آن را از بین می‌برد (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۴۱۴). همچنین چون مال دنیا باعث افتخار انسان‌هاست، لذا واژه زینت به کار رفته است (آلوسی، ۱۲۷۰ق، ج ۸، ص ۲۷۱). پس هر چند که دل‌های بشر علاقه به مال و فرزند دارد و همه، مشتاق و متمایل به سوی آن هستند و انتظار انتفاع از آن را دارند و آرزوهایشان بر اساس آن دور می‌زند و لیکن زینتی زودگذر و فریبنده هستند که آن منافعی که از آنها انتظار می‌رود ندارند و همه آرزوها را برآورده نمی‌سازند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۳، ص ۳۱۹).

مجموع دو آیه فوق به خوبی نظر قرآن در بیان ماهیت مال و ثروت را بیان می‌کند. وقتی چنین تعریفی از ثروت داشته باشیم مسلماً نمی‌توانیم هدف یک اقتصاد یا نظام مالی یا بنگاه اقتصادی را حداکثر کردن سود به معنای ثروت‌اندوزی قرار دهیم؛ اما همچنان سوال دوم باقی است و اینکه اگر کسب ثروت جایز نیست پس چگونه است که در آیاتی به کسب مال و بهره‌مندی از نعمت‌های دنیا سفارش کرده است. با این بیان آیا می‌توان حدی برای ثروت‌اندوزی مشخص کرد؟

پاسخ کلام فوق را با بیان دو سنت خداوند بیان می‌کنیم. اولین سنت الهی این است که رزق هر کس مشخص شده و هر کس به میزانی که برای او مقدر شده از نعمت‌های دنیا بهره می‌برد. در واقع اگر خداوند به استفاده از نعمت‌های دنیا سفارش کرده است، در کنار آن میزان بهره‌مندی از آن هم برای هر کس مشخص کرده و انسان باید به آنچه به او عطا شده بسنده کند و زندگی دنیایی را بگذراند. سنت دوم خداوند این است که انسان‌ها همواره مورد آزمایش و ابتلا قرار می‌گیرند و مال و ثروت یکی از مواردی است که خداوند از آن استفاده کرده و انسان را مورد آزمایش قرار می‌دهد، لذا ممکن است بیش از آنچه از ثروت برای انسان مقدر شده به او عطا شود ولی همین عطا وسیله آزمایش او قرار می‌گیرد. در ادامه به استناد به آیات قرآن به این دو سنت الهی می‌پردازیم.

«وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يَنْزِلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ» (شوری: ۲۷). هرگاه خداوند روزی را برای بندگانش وسعت بخشد، در زمین طغیان و ستم می‌کنند؛ از این رو به مقداری که می‌خواهد (و مصلحت می‌داند) نازل می‌کند، که نسبت به بندگانش آگاه و بیناست (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۴۸۶). مراد از بسط اعطای رزق مازاد بر احتیاج انسان است (زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۲۵، ص ۷۱). مطالعه در حال انسان‌ها گواه صادق این واقعیت است که وقتی دنیا به آنها روی می‌آورد و صاحب زندگی مرفه می‌شوند و مسیر حوادث بر وفق مراد آنها است، دیگر خدا را بنده نیستند و به سرعت از او فاصله می‌گیرند و در دریای شهوات غرق می‌شوند و آنچه ناگفتنی است آن می‌کنند و هر گونه ظلم و ستم و فساد را در زمین گسترش می‌دهند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۰، ص ۴۳۲). و به همین جهت خدای تعالی رزق را به اندازه نازل می‌کند و به هر کس به مقداری معین روزی می‌دهد، چون او به حال بندگان خود خبیر و بصیر است، می‌داند که هر یک از بندگانش استحقاق چه مقدار از رزق دارد و چه مقدار از غنی و فقر مفید به حال او است، همان را به او می‌دهد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۸، ص ۵۶). پس اگر بنده از خدای خود روزی بیشتری طلب کند و ثروت بیشتری بخواهد، اگر خلاف تقدیر الهی باشد، به صلاح او نیست (تفسیر جوامع الجامع، ج ۴، ص ۵۰).

در اینکه انسان باید در کسب روزی دنیا، به نیاز خود بسنده کند، در آیه «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص: ۷۷) مشهود است. در تفسیر این آیه گفته شده که فراموش مکن این معنا را که نصیب تو از مال دنیا، مقدار بسیار اندکی است و آن همان مقداری است که می‌پوشی و می‌نوشی و می‌خوری، بقیه‌اش زیادی است، که برای غیر از خودت باقی می‌گذاری، پس از آنچه به تو داده‌اند به قدر کفایت بردار، و باقی را احسان کن (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۱۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۰، ص ۱۱۲).

با وجود اینکه رزق دنیایی هر کس مشخص شده است، نحوه توزیع ثروت در بین افراد ممکن است این شبهه را به وجود می‌آورد که نوعی بی‌عدالتی رخ داده است. چرا که کافران بسیاری هستند که بهره‌مندی آنها از ثروت دنیایی بسیار زیاد است. چگونه است که خداوند برای آنها چنین مقدر کرده است؟ در پاسخ می‌گوییم که یکی دیگر از سنت‌های الهی آزمایش انسان‌ها به وسیله مال و ثروت است. یعنی هر چند میزان بهره‌مندی از ثروت دنیایی برای هر کس مشخص است، اما اگر انسان‌ها به دنبال طلب کردن آن بروند و حتی از خداوند هم درخواست کنند، خداوند چون همواره به دنبال آزمایش کردن انسان‌هاست این خواسته آنها را اجابت کرده و مال و ثروت را مایه آزمایش آنها قرار داده است.

«لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ» (آل عمران: ۱۸۶) به یقین (همه شما) در اموال و جان‌های خود، آزمایش می‌شوید! (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۷۴). کلمه «ابلا» که مصدر فعل مجهول «تبلوون» است، به معنای آزمایش است. در واقع این آیه بیان می‌کند که دنیا دار امتحان است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۹۰۳). خدای تعالی بعد از آن که جاری شدن سنت بلا و ابلا را بر مؤمنین ذکر کرد و بعد از آنکه گفتار یهود را که می‌توانست باعث سستی عزم مؤمنین شود خاطر نشان ساخت، اینکه در این آیه به ایشان خبر می‌دهد به اینکه این بلای الهی و این سخنان دردآور اهل کتاب و مشرکین درباره مؤمنین تکرار خواهد شد و بزودی مؤمنین با این سخنان بسیار روبرو می‌شوند، تا جایی که گوششان پر شود، پس بر مؤمنین است که در برابر آن بلای الهی و این گونه سخنان اهل کتاب و مشرکین صبر کنند، و تقوا پیشه سازند، تا خدای تعالی از لغزش و سستی حفظشان فرماید، و هم‌چنان دارای عزم و اراده بمانند و این خود اخبار قبل از وقوع

است، تا استعداد و نیروی خود را برای بر خورد با آن آماده سازند، و روغن آن را بر تن خود بمالند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۸۴).

«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (انفال: ۲۸) و بدانید اموال و اولاد شما، وسیله آزمایش است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۰). «فتنه» به معنای وسیله آزمایش است که آیا حدود الهی رعایت می شود (زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۹، ص ۲۹۸). چگونگی به دست آوردن اموال، و چگونگی خرج کردن آنها، و طرز نگاهداری آن و میزان دلبستگی و علاقه به آن، همگی میدان های آزمایش بشر است بسیارند کسانی که از نظر عبادات معمولی و تظاهر به دین و مذهب و حتی گاهی از نظر انجام مستحبات، بسیار سخت گیرند و وفا دارند، اما به هنگامی که پای یک مسأله مالی به میان می آید، همه چیز کنار می رود و تمام قوانین الهی، و مسائل انسانی، و حق و عدالت، به دست فراموشی سپرده می شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۱۳۹).

آیات نشان می دهد کسب مال تا جایی که لازمه حیات زندگی دنیوی است، لازم است ولی مازاد بر آن خیر. همانطور که اشاره شد برخی از مفسرین نیازهای معیشتی را حد زندگی دنیوی دانسته اند. البته این قول می تواند مورد مناقشه قرار گیرد، چرا که براساس آموزه های فقهی حدی برای کسب ثروت قرار داده نشده است و اگر نسبت به پرداخت انفاق های واجب اقدام شود، با هر انگیزه ای می توان نسبت به هر مقدار از مال دنیا اهتمام ورزید. در اینکه مرز واقعی بین نیاز فرد و مازاد آن چیست، نظریه واحدی وجود ندارد و استخراج آن از موضوع این مقاله خارج است ولی نتایج تحقیق نشان می دهد که چنین مرزی وجود دارد و نمی توان آن را نادیده گرفت. قرآن کریم بارها خطر برخورداری از مال را گوشزد کرده و از کسانی که از ثروتمندان و اغنیای امم هستند به خوبی یاد نکرده است. نظامی که اساس آن حداکثر کردن سود یا به تعبیری که بیان شد حداکثر کردن ثروت است، مسلماً در مسیری قدم گذاشته که قرآن کریم عاقبت آن را تنها هلاکت می داند. نمی توان در جامعه اسلامی عموم مردم را به دنبال هدف نامقدس سوق داد که قرآن کریم راه نجاتی برای آن بیان نکرده است.

### ۵. ارزیابی تطبیقی هدف حداکثرسازی سود در اقتصاد متعارف و قرآن

در این بخش قصد داریم با توجه به مطالب پیشین و به صورت خلاصه در سه موضوع ذیل به ارزیابی تطبیقی بین دیدگاه قرآن و اقتصاد متعارف بپردازیم. نخست جواز مطلق کسب مال و کسب سود، دوم جواز حداکثرسازی سود و ثروت و سوم قراردادادن حداکثر کردن سود به عنوان هدف یک نظام مالی و اقتصادی.

در یک ارزیابی کلی می‌توان پاسخ داد که اقتصاد متعارف بر مبنای تفکر لیبرالیسم کسب ثروت را به هر نحوی جایز می‌داند و این موضوع را هدف نظام مالی خود قرار داده است ولی قرآن کریم هر چند مطلق کسب مال را پذیرفته ولی در هر حوزه چارچوب‌های مشخصی را قرارداده که نباید خارج از آن چارچوب‌ها حرکت کرد.

#### ۱-۵. جواز مطلق کسب مال

اقتصاد متعارف هیچ محدودیتی برای کسب ثروت قائل نمی‌شود<sup>۶</sup> و انسان‌ها را در کسب ثروت آزاد گذاشته است. در طرف مقابل قرآن کریم با وجود ترغیب مسلمانان به کار و تلاش و بهره‌مندی از نعمت‌های الهی، بر کسب حلال تأکید می‌کند. یعنی کسب مال را زمانی جایز می‌داند که از طریق حلال به دست آمده باشد.

#### ۲-۵. جواز ثروت‌اندوزی و حداکثرکردن سود

اقتصاد لیبرال هیچ محدودیتی برای ثروت‌اندوزی قائل نمی‌شود و اساساً نظام کاپیتالیسم به ثروتمندتر شدن ثروتمندان منتهی می‌شود. برای بیان نگاه قرآن به این مسأله فرض کنیم که فردی از طریق حلال اقدام به کسب ثروت کرده است. حال آیا همین فرد حق دارد از طریق کسب حلال به ثروت‌اندوزی اقدام کند و آنچه از نیاز او مازاد است را بدست آورد؟ قرآن انسان را حریص و طغیانگر معرفی می‌کند و در آیات متعددی بیان می‌کند که توجه به ثروت باعث می‌شود حس طغیانگری انسان تقویت شود و به نفی پروردگار و استکبارگری منتهی شود. به بیان دیگر قرآن تنها کسب ثروت از طریق حلال و توجه به انفاق را کافی نمی‌داند، بلکه از گذر تاریخ شاهد مثال‌های فراوانی می‌آورد که ثروت‌اندوزی باعث انحراف انسان‌ها و کفرپیشگی می‌شود.

### ۳-۵. هدف قرار گرفتن ثروت اندوزی

هدف نظام متعارف، حداکثر کردن سود است. یعنی تنها فعالیتی توجیه پذیر است که یک ارزش مازاد مادی را برای ذینفعان فراهم کند. در راستای همین هدف حاکمیت مطلق با پول و سرمایه است. اما نگاه قرآن در این مورد کاملاً متفاوت است. در نگاه قرآنی هر فعالیتی باید در چارچوب نظام توحیدی صورت گیرد. قرآن کریم به صراحت ثروت را به هیچ عنوان عامل قدرت نمی داند و تنها به عنوان زینتی برای زندگی دنیا معرفی می کند. همچنین در شرایطی که انسانها از طریق ثروت مورد آزمایش الهی قرار می گیرند و قرآن کریم مکرر از سرگذشت کسانی یاد می کند که در این آزمایش الهی شکست خوردند، می توان نتیجه گرفت که به هیچ عنوان ثروت اندوزی نمی تواند به عنوان هدف یک نظام مالی قرار بگیرد و آحاد جامعه بدان سوق داده شوند. لذا هر چند ممکن است فردی وجود داشته باشد که در آزمایش الهی از طریق مال سربلند بیرون آید، ولی این مسأله میتواند تنها یک امر فردی باشد و نه یک امر اجتماعی. لذا قرآن کریم کسب ثروتی را جایز می داند که متناسب با نیاز هر فرد صورت گیرد و کسب مازاد آن را به صلاح زندگی دنیوی انسانها نمی داند.

### جمع بندی و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف ارزیابی هدف حداکثرسازی سود در نظام مالی متعارف از منظر قرآن، پرسش های ذیل را مطرح می نماید:

- ✓ آیا اسلام اساساً هدف حداکثرسازی سود را قبول دارد؟
  - ✓ چارچوبی که اسلام در این خصوص بیان می کند چیست؟
- لذا در راستای یافتن پاسخ پرسش های بالا، برداشت از آیات اقتصادی قرآن در زمینه «حداکثرسازی سود» با روش تفسیر موضوعی قرآن و با مراجعه به تفسیرهای مفسران صاحب منهج و کاربست روش برداشت از آیات اقتصادی پیشنهادی، فرضیه های ذیل مورد آزمون قرار گرفت:
- ✓ قرآن انسانها را به کار و تلاش و بهره مندی از نعمت های دنیا دعوت می کند.
  - ✓ قرآن کریم با ثروت اندوزی و حداکثرکردن سود به طور مطلق، مخالف است.
  - ✓ هدف حداکثرکردن سود در نظام اسلامی جایگاهی ندارد.

- نتایج ذیل نشان می‌دهد که همه فرضیات تحقیق مورد تأیید قرار گرفت:
- ✓ مال وسیله‌ای جهت بهره‌مندی از نعمت‌های دنیا است. کسب روزی حلال و تجارت سودآور، تا جایی که در چارچوب احکام اسلامی باشد نه تنها اشکال ندارد بلکه بدان تشویق نیز شده است.
  - ✓ قرآن توجه مؤمنان را به رعایت حدود الهی و کسب حلال جلب کرده است. لذا در نگاه قرآن آزادی مطلق (توجه تنها به نفع شخصی) که در نظام سرمایه‌داری برای کسب مال وجود دارد، رد می‌شود.
  - ✓ پرهیز از ثروت‌اندوزی و سرگذشت نافرجام ثروت‌اندوزان و برحذر داشتن از مال دنیا، نشان از نگاه منفی قرآن کریم به مقوله کسب ثروت است. هرچند قرآن کریم مرز مشخصی بین کسب جایز ثروت و ثروت‌اندوزی بیان نمی‌کند ولی ظاهراً چنین مرزی وجود دارد.
  - ✓ ثروت‌اندوزی مفهومی فراتر از مرزی است که فقها بین کسب حلال و حرام ترسیم می‌کنند. مطابق قرآن حتی کسانی که از طریق حلال اقدام به ثروت‌اندوزی می‌کنند از مخاطرات مال در امان نیستند و ممکن است در آزمایش الهی شکست بخورند.
  - ✓ در سطح اجتماعی نمی‌توان سود محوری را به عنوان هدف نظام اقتصادی و به تبع آن نظام مالی قرار داد. به بیان دیگر هر چند ممکن است افرادی در جامعه وجود داشته باشند که در آزمایش الهی از طریق مال و ثروت سربلند شده‌اند، ولی این سربلندی تنها یک امر شخصی است و نمی‌توان آحاد مردم را به انگیزه حداکثرکردن سود تشویق کرد.

#### یادداشت‌ها

1. Reskin
  2. Tolstoy
  3. Mahd
  4. Adel Abo
  5. Allali & Abbas
۶. لازم به ذکر است که آزادی فردی تا زمانی پذیرفته می‌شود که آزادی سایر انسان‌ها را سلب نکند و لذا مطلق آزادی به هیچ وجه وجود نخواهد شد و محدودیت‌هایی دارد.



### کتابنامه

- قرآن کریم.
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۲۷۰ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
- آنتونی آربلاستر (۱۳۶۷)، ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، مترجم: عباس مخبر، تهران: مرکز، چاپ اول.
- جعفری، یعقوب (۱۳۹۰)، سرنوشت ثروت/اندوزان، درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۶۰۸.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰)، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، تهران: پژوهشکده امام خمینی و شهید صدر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، اسلام و محیط زیست، قم: اسراء، چاپ دوم.
- حکیم‌پور، محمد (۱۳۷۸)، «اسلام و سرمایه‌داری - ره‌آوردهای اجتماعی نظام لیبرال-سرمایه‌داری»، کتاب نقد، شماره ۱۱، صص ۲-۳۷.
- خادم‌علیزاده، امیر (۱۳۷۸)، «نقد و بررسی آزادی اقتصادی در نظام سرمایه‌داری»، کتاب نقد، شماره ۱۱، صص ۱۰۶-۱۴۵.
- خادم‌علیزاده، امیر (۱۳۹۲)، تفسیر موضوعی قرآن کریم با رویکرد اقتصادی، قم: دفتر نشر معارف، چاپ اول.
- رجایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۱)، «توازن یا عدم تداول ثروت در دست اغنیا»، معرفت اقتصاد اسلامی، شماره ۷، صص ۲۳-۴۱.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۱ق)، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، دمشق: دارالفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر (۵۳۸ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتب العربی.
- ژید، شارل و شال ریست (۱۳۷۰)، تاریخ عقاید اقتصادی، مترجم: کریم سنجابی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، جلد اول.
- سعیدی، سیدغلامرضا (۱۳۲۹)، «رژیم‌های اقتصادی و اسلام؛ اقتصاد کاپیتالیزم (سرمایه‌داری)»، نامه فروغ علم، شماره ۳، صص ۴-۱۱.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۷ق)، اقتصاددان، قم: مکتب الاعلام السلامی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طنطاوی، سید محمد (۱۹۹۷م)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره: نهضه مصر.
- عزتی، مرتضی (۱۳۸۵)، «عوامل مؤثر بر به کارگیری پول برای کسب سود یا اعطای قرض الحسنه»، دین و اقتصاد، شماره ۳ و ۴.
- عزتی، مرتضی (۱۳۸۹)، «نظریه رفتار تولیدکننده مسلمان»، اقتصاد اسلامی، شماره ۳۹.
- عزتی، مرتضی (۱۳۹۳)، «الگوی رفتار تولیدکننده باورمند به زندگی پس از مرگ»، اقتصاد اسلامی، شماره ۵۴.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قدیری اصلی، باقر (۱۳۶۸)، سیر اندیشه اقتصادی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، چاپ هشتم.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- کاپلستون، فردریک (۱۳۷۰)، تاریخ فلسفه، مترجم: بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: علمی و فرهنگی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۹۳ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹)، ترجمه قرآن، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
- میرجلیلی، علی محمد و سمیه یوسفی (۱۳۹۲)، «عوامل مؤثر در حمایت از کار، تولید و سرمایه مسلمین از دیدگاه قرآن و حدیث»، کتاب قیام، شماره نهم، صص ۳۳-۶۴.
- نمازی، حسین (۱۳۷۴)، نظام‌های اقتصادی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- Ali, A. J., Al-Aali, A., & Al-Owaihian, A. (2013). Islamic Perspectives on Profit Maximization. *Journal of Business Ethics*, 117(3), 467-475.
- Amin, R. M., & Yusof, S. A. (2003). Allocative Efficiency of Profit Maximization: an Islamic Perspective. *Review of Islamic Economics*, 5-22.
- Arief, M. (1982). Ethics and Economics in Islam. *Islamika*, 2, 97-113.
- Ilyas, M. (1988). Islamic Economic System, *Journal of Islamic Banking and Finance*; 5(3), 37-51.
- Gusau, S. A. (1988). The Nature and Methodology of Islamic Economics; in *Frontiers and Mechanics of Islamic Economics*, Rafikul Islam Molla, Abdul

- Rashid Moten, Sule Ahmad Gusau and Abubakar Aliyu Gwandu (ed.)  
Nigeria: University of Sokoto.
- Hallaq, S. (1995). Rationality in Production: The Case of the Muslim Firm.  
*Humanomics*, 11(4), 29-38.
- Iqbal, M. (1992). Organization of Production and Theory of Firm Behaviour  
from an Islamic Perspective. *Lectures on Islamic Economics. IRTI, Islamic  
Development Bank, Jeddah, Saudi Arabia.*
- Kahf, M. (1978). The Theory of Production, in the Islamic Economy; Analytical  
Study of the Functioning of the Islamic Economic System, by Monzer Kahf.  
Plainfield, Indiana: The Muslim Students' Association of the United States  
and Canada.
- Naqvi, S. N. H. (1981). Economics of Human Rights: An Islamic Perspective.  
*Hamdard Islamicus*, 4(2), 31-51.
- Ross, S. A. (2010). Fundamentals of Corporate Finance, McGraw-Hill, Ninth  
Standard Edition.
- Salihu, A. A., Man, M. Z., & AbdulJubreel, O. B. (2011). Concept of Profit  
Maximization Model in Islamic Commercial Banking System and its  
Weakness. *Arabian Journal of Business and Management Review*, 1(3).
- Siddiqi, M. N. (1979). The Economic Enterprise in Islam, 2nd edition, Lahore,  
Pakistan: Islamic Publications.

**Evaluating the Goal of Maximizing Profits in the Conventional Financial System from the Perspective of the Quran**

*Amir Khadem Alizadeh \**

*Received: 25/06/2016*

*Mohammad Hadi Habib Allahi\*\**

*Accepted: 16/01/2017*

Economic liberalism is the most important intellectual and philosophical principle in capitalism, a fact which leads to unlimited freedom in regard to capital and consequently an absolute profit-making. This study aims to survey the maximum profit-making in capitalist financial systems, and through a descriptive- analytical method and Quranic interpretation, it has extracted Quranic verses about money and wealth to explain the issue on the basis of topic-based interpretation of financial economics. The results show that the Holy Quran has imposed limitations on all aspects of obtaining, distributing and consuming wealth, and money must be earned by observing divine limitations and without the intention of gaining wealth beyond one's necessary worldly needs. Therefore, making wealth, though permitted at individual level, cannot be taken as the sole objective of a financial system.

**Keywords:** Profit, Quran, Capitalism, Conventional Financial System

**JEL Classification:** D01, E21, E41, G00

---

\* Assistant Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabataba'i University, aalizadeh@atu.ac.ir

\*\* Member of Growth Center & Ph.D. Student of Financial Management, Imam Sadiq University, (Corresponding Author) m.habibollahi@isu.ac.ir